

ایستگاه نخست: نکات برگزیده تفسیری

چشم انداز آیه

این آیه تکمیلی است بر آیات جهاد که قبلاً تفسیر آن گذشت. زیرا جهاد به همان اندازه که به مردان با اخلاص و کارآزموده نیازمند است به اموال و ثروت نیز احتیاج دارد. جهاد هم نفقات آماده از نظر روحی و جسمی لازم دارد و هم انواع سلاح و تجهیزات جنگی.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۵
 پنج آیه پی در پی [گذشته]، مسلمانان را به دفاع از دین و مقابله با کفار فراخواند، این آیه پایان آن را با انفاق و احسان تمام کرده است.

✓ خودکشی و ضرر به نفس، حرام قطعی است که از آیه استفاده می‌شود. اما شهادت طلبی در مواردی که اساس اسلام در خطر باشد، افتادن در تهلکه نیست.

این آیه در کنار سفارش به انفاق، مسلمانان را از هرگونه افراط و تفریط باز می‌دارد. زیرا اگر ثروتمندان بخل ورزند و به فکر محرومان نباشند، اختلاف طبقاتی، روز به روز توسعه پیدا کرده و عامل انفجار جامعه و نابودی آنان خواهد گردید. چنانکه اگر میانه‌روی در انفاق مراعات نشود و انسان هرچه را دارد به دیگران ببخشد، به دست خویش، خود و خانواده‌اش را به هلاکت کشانده است.

✓ قرآن در آیات دیگر نیز مسلمانان را به میانه‌روی در انفاق سفارش نموده و به پیامبرش می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (اسراء/۲۹) ای پیامبر! نه دست بسته باش که چیزی نبخشی و نه آنچنان که هر چه داری یکجا ببخشی.

تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۶

شان نزول

✓ گروهی از مسلمانان برای جهاد به قسطنطنیه رفته بودند. یکی از مردان شجاع، به لشکر روم (حمله) کرد و داخل در صفوف آنها شد. یکی از حاضران گفت: «القی بیدیه الی التهلکه» اینجا بود که ابویوب انصاری برخاست و فریاد زد: ای مردم! چرا این آیه را بد تفسیر و تاویل می‌کنید؟ این آیه درباره ما طایفه انصار نازل شد. هنگامی که خداوند دینش را عزت داد و یاورانش فروزی گرفتند بعضی از ما به دیگری مخفیانه به گونه‌ای که پیامبر ﷺ نشنود، چنین گفتند که اموال ما از دست رفت و خداوند، اسلام را عزیز و یارانش را زیاد کرد. ما اگر در مدینه بمانیم به اموال از دست رفته خود برسیم بهتر است، آیه فوق بر پیامبر ﷺ نازل شد و به ما فرمود: انفاق در راه خدا کنید و خویشتان را به هلاکت نیفکنید و منظور از هلاکت، اقامت در مدینه برای اصلاح اموال و ترک جهاد بود.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸

مصادیق انفاق در راه خدا

✓ انفاق در راه خدا شامل مصارفی [می‌گردد] که در طریق عبادت خدا صرف می‌کند. مانند بذل جان در راه جهاد و صرف قوی در قضاء حوائج مؤمنین و سایر

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

استثنائات جهاد

✓ رسول خدا ﷺ در حدیبیه با مشرکین صلح نمود و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیست و پنج سال با خلفاء با مسالمت رفتار نمود و حضرت حسن (علیه السلام) با معاویه صلح نمود و سایر ائمه (علیهم السلام) نیز با خلفاء جور زمان خود با تقیه رفتار می‌کردند و همه از این جهت بود که اگر اقدام به مبارزه علیه آنان می‌نمودند موجب هلاکت خود و عده‌ای از دوستان خود می‌گردید ولی زمان سیدالشهداء (علیه السلام) چون یزید در مقام امحاء دین اسلام حتی ظواهر آن بود و بر هر تقدیر می‌خواست سیدالشهداء (علیه السلام) را به قتل برساند چه اقدام کند و چه ساکت نشیند آن حضرت چاره‌آیی جز قیام نداشت و همان قیام بود که اساس خلافت بنی امیه را مضمحل و نابود ساخت و آن حضرت مرگ با شرافت را بر قتل با ذلت ترجیح داد.

تفسیر اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۶۲

پاسخ به یک شبهه مهم

✓ بعضی از عافیت طلبان برای فرار از جهاد فی سبیل الله به جمله «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» چسبیده‌اند و رسوایی را به آنجا رسانیده که قیام امام حسین (علیه السلام) را در عاشورا که سبب نجات و بقای اسلام در برابر دشمنانی همچون بنی امیه شد، مصداق این آیه شمرده‌اند. غافل از اینکه اگر این باب گشوده شود، جهاد به کلی باید تعطیل گردد. اصولاً تهلکه با شهادت دو مفهوم متباین دارد. تهلکه به معنی مرگ بی دلیل است، در حالی که شهادت قربانی شدن در راه هدف و نابل گشتن به حیات جاویدان است. باید به این حقیقت توجه داشت که جان انسان، ارزشمندترین سرمایه وجود او نیست، ما حقایقی را ارزش‌تر از جان داریم. ایمان به خدا، آیین اسلام، حفظ قرآن و اهداف مقدس آن، بلکه حفظ حیثیت و آبروی جامعه اسلامی، اینها اهدافی والاتر از جان انسان است که قربان شدن در راه آن هلاکت نیست و هرگز از آن نهی نشده.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸

خلاصه بحث

✓ با انفاق، خود و اموالتان را بیمه کنید.
 ✓ در اسلام، جبهه و جنگ و کمک‌های مالی همه باید رنگ الهی داشته و برای رضای خداوند باشد.
 ✓ اقتصاد، پشتوانه هر حرکتی است. «أنفقوا...» جهاد نیز بدون پشتوانه مالی و گذشت از برخی امکانات، امکان ندارد.
 ✓ اگر مردم به هنگام هجوم دشمن و در راه دفاع از حق، اموال خود را به کار نگیرند، گرفتار شکست قطعی می‌شوند.
 ✓ انسان علاقه دارد که محبوب باشد، لذا قرآن از این فطرت استفاده کرده و می‌فرماید: نیکی کن که نیکوکاران محبوب خداوند هستند.

تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۰۶

عبادات و صرف مال در مصارف واجبه و مستحبیه و تعلیم علم به بندگان خدا و سایر مواردی که اطلاق انفاق و عنوان عبادت بر آن صادق است و در اول سوره در ذیل آیه مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ مفضلاً موارد آن را متذکر شدیم.
 ✓ یکی از موارد لازم انفاق، انفاق مال در راه جهاد با دشمنان اسلام و اعلاء کلمه حق است و بعضی انفاق در این آیه را به این مورد اختصاص داده‌اند ولی امر در انفقوا برای مطلق طلب از واجب و مستحب است و آیه عام و این مورد یکی از مصادیق آن می‌باشد.

تفسیر اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۶۱

منظور از «تهلکه»

✓ مراد از تهلکه، اعم از هلاکت دنیوی و اخروی است و مراد از القاء به تهلکه اقدام به هر عملی است که موجب وقوع در هلاکت انسان یا ترک عملی است که باعث هلاک آدمی گردد. مثلاً عملی که مریض انجام دهد و باعث زیادتی مرض یا موت او گردد مانند پرهیز نکردن و خوردن خوراکی‌هایی که برای مرض او مضر است و یا اینکه معالجه نکند و دارو استعمال ننماید و به این سبب موجب هلاکت خود گردد، هر دو القاء در تهلکه می‌باشد.

تفسیر اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۶۱

✓ در مقام جهاد اگر اقدام به جهاد و صرف مال در راه جهاد نکنند تا دشمن مسلط شود و به هلاکت بیفتند القاء به تهلکه است و بسا مواردی که باید ساکت و صامت بود و تقیه نمود و اقدام به جهاد نمود اگر اقدام کند و باعث هلاکت گردد القاء به تهلکه است و همچنین در مورد انفاقات مالی اگر بخل ورزد و حقوق واجبه را نپردازد و باعث شکنجه و به تنگ آمدن فقراء و طغیان آنان گردد و هلاکت خود را سبب شود و یا تمام مال خود را صرف کند که قدرت بر نفقه خود و واجب النفق‌اش نداشته باشد، همه اینها القاء به تهلکه است.

تفسیر اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۶۱

✓ انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک (چه از نظر نامنی و چه عوامل جوی یا غیر آن) بدون پیش‌بینی‌های لازم بگذرد، یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند و یا حتی در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود. در تمام این موارد، انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۶

تفاوت حسن و احسان

✓ احسان به معنی نفع رسانیدن به غیر است و با حسن فرق دارد. زیرا در حسن لازم نیست که خوبی به غیر برسد بلکه نفس فعل که نیکو باشد اطلاق حسن بر آن می‌شود، مثلاً عذاب کفار و معاندین در روز قیامت یا استیفاء دین از مدیون یا اجرای حدود، حسن است، لکن احسان نیست. تفسیر اطیب البیان، ج ۲، ص ۳۶۳

ایستگاه دوم: پرسمان زندگی (زال احکام)

درس سی و دوم: مطهرات (پاک کننده ها) - بخش پنجم

تطهیر حیوانات

✓ اگر ظاهر آن نجس شده: با فرو بردن در آب کُر یا جاری یا ریختن آب قلیل (جاری کردن) بر آن پاک می‌شود.
 ✓ اگر باطن آن هم نجس شده: پاک نمی‌شود. نه با آب قلیل، نه با آب کُر.
 ✓ اگر معلوم نیست باطن آن نیز نجس شده یا نه: تطهیر ظاهر آن کافی است.

استفتا

اگر شخصی در عبادات یا طهارت و نجاست، دچار وسواس شده باشد و زیاد شک کند، تکلیف شرعی او چیست؟
 نباید به شک‌های خود اعتنا کند و اگر اعتنا کند کار حرامی کرده است و هر عمل را بیش از یک بار نباید انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شک در نجاست چیزی یا صحت عمل کرد، باید بنا را بر صحت و طهارت بگذارد و اگر بر خلاف آن عمل کرد، جایز نیست.

زمین

(الف) اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن نجس شود و به سبب تماس با زمین، نجاست برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است. آن هم با این شرایط:
 ❖ زمین پاک باشد.
 ❖ زمین، خشک باشد. (تر نباشد).
 ❖ زمینی پاک کننده است که خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.

(ب) اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود، پاک می‌گردد. ولی بهتر است حداقل ۱۵ قدم راه برود.

این اشیاء پاک کننده نیست:
 موزائیک، آسفالت، فرش، زمینی که با چوب فرش شده است، زمینی که سبزه و گیاه در آن روئیده است، مگر سبزه و گیاهش به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید و عرفاً بگویند بر زمین راه می‌رود. (به فتوای برخی فقها، موزائیک و آسفالت نیز پاک کننده است).

منبع: کتاب آموزش فقه؛ نوشته محمدحسین فلاح زاده؛ صفحه ۸۲ و ۸۴

